



بررسی نقوش سفالینه های سیلک و کاربرد آن در پوشاک علی محمودی عالمی^۱، محبوبه عربی^{۲*}

چکیده:

سیلک نام اولین تمدن شهرنشینی ایران مرکزی در کاشان است که در سه کیلومتری جنوب غربی این شهر قرار دارد، تپه سیلک در حقیقت زیگورات یا نیایش گاه مردمان باستانی بوده که از گل رس و سفال ساخته شده است، زیگورات معماری مذهبی ویژه شهرهای عمده بین النهرین و ایران بوده است که به صورت برج مطبق هرمی شکل بنا می شد. بر اساس یافته ها به دست آمده، نقوش سفالینه های ترسیم شده توسط انسان عهد باستان علاوه بر زیبایی ظاهری، نمادین نیز هستند و با یکدیگر مرتبطند. مربع و دایره مبین زمین و آسمان برای رویش و زایشاند تا برکت نصیب انسان شود. شاخ بز هم که مانند هلال ماه است. واسطه های برای بارش باران، زیرا بارش باران در فصلی رخ میدهد که صورت فلکی بز و پرندگان در آسمان دیده شود. کشیدن نقش دسته های پرندگان تجسم ابر است تا ارتباط تنگاتنگ و زیبای نقوش با یکدیگر را بیان کند. بررسی نقوش موجود بر روی آبخوریهای سیلک که یکی از مجموعه آثار این مناطق هستند از اهمیت بنیادین برخوردار میباشد. در این راستا پرداختن به این نقوش اعم از: الف: نقوش هندسی ب: نقوش گیاهی و نقوش جانوری که علاوه بر نمایش نبوغ و هنر ایرانیان، بیانگر تفکرات و باورهای آنان نیز میباشد، ضروری مینماید.

کلمات کلیدی: تپه های سیلک، سفالینه های سیلک، نقوش

۱- مقدمه

بررسی نقش و نگاره هایی که انسان های کهن در غارها حکاکی کرده و یا از ادوار گذشته تاریخی بر سفالینه ها و اشیاء مفرغی باقی مانده، از مدت ها پیش معمول بوده و مطالعه و بررسی این نقوش و تحلیل رموز و علائم آن ها به شناسایی خصوصیات اجتماعات گذشته کمک کرده است. طبیعت در هر زمان و در هر دوره تاریخی موضوع جذابی برای انسان ها بوده و هست و باگذشت زمان، نه تنها به موضوعی تکراری بدل نشده، بلکه هنوز بسیاری از عناصر طبیعت برای انسان ناشناخته است. بشر همچنان کشف می کند و از کشفیات خود لذت می برد که عامل آن حس کنجکاوی اوست. بشر در دوران باستان اندیشه ها و احساساتش نسبت به اطراف را به مفاهیمی نمادین تبدیل می کرد که آن ها برایش بسیار مهم و سرشار از مفهوم بودند، به طوری که او همواره برای پیشبرد زندگی از آن ها استفاده می کرد. اولین نمادها تصویری بودند که بسیاری از آن ها را در آثار هنری دوره های مختلف تاریخی می توان یافت.

نقوشی که بر ظروف سفالین پیش از تاریخ به وفور دیده می شود نقوش جانوری (بز و قوچ) نقوش گیاهی، نقوش انسانی و نقوش هندسی است. شکی نیست که این نقوش به میراث و فرهنگی بسیار کهن وابسته است. شاید از تاریخ سفالگری نیز کهن تر باشد و اصل آن ها به اعتقادات اساطیری و نگاره های نمادین زمان های بسیار دور بپیوندد. تردیدی نیست که این مفاهیم سمبولیک و اساطیری، جریان مداوم زندگی و مسیر طولانی و پریپیچ وخم و تاریک پشت سر گذاشته اند و بت گذشت زمان و تجارب نو دگرگون شده، لیکن هیچ یک از عوامل نام برده باعث نشد که این نقوش از حیثه هنر جدا بیفتند. این نقوش در طی نسل های گوناگون دگرگون شده و باگذشت زمان مهجور ماندند و معانی خود را یکسره از دست دادند و به دلخواه هنرمندان انفرادی و بدیع ساز تغییر کردند؛ اما هنوز هم بار معنی سمبولیکی را بر دوش میکشند که به خاطر آن ایجاد گردیده اند. ورود این نقوش از سفال و مفرغ و ... به زندگی امروز مسیری بس طولانی است؛ اما میدانیم که اگر این نقوش با تحولات زندگی و تغییرات آن از اندیشه و صنایع (سفال، مفرغ و معماری) دور ماندند، اما در هنر امروز هنوز باقی هستند و همچنان از عناصر تصویری به شمار میروند که هنرمندان به آنان علاقه مندند و در میان آثار خود از آن ها بهره میگیرند و با معانی سمبولیک آن بیگانه نیستند. در سراسر سرزمین ایران یکی از چند مناطقی که نشان دهنده قدمت تمدن بزرگ

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه مارلیک نوشهر. Ali mahmodi alami@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد. رشته، طراحی پارچه و لباس، دانشگاه مارلیک نوشهر. mah.arabi328@Gmail.com